

بررسی تطبیقی وضعیت حقوقی و شرایط صحت و تأثیر ازدواج بین‌المللی بر تابعیت (در قانون ایران و ترکیه)

زهرا آکیول^۱

چکیده

بر اساس ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اصول انسانی نباید محدودیتی در ازدواج افراد قائل شد؛ زیرا انسانیت، اصل و تابعیت، ملت، نژاد و غیره فرع بر آن است، پس هر مردی حق دارد فارغ از حدود و مرزها با زن دلخواه خود پس از توافق طرفین ازدواج کند و یا بالعکس. با توجه به قرابت فرهنگی و همسایگی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه و رفت و آمد اتباع دو کشور، امروزه ازدواج چند ملیتی یا بین‌المللی میان اتباع این دو کشور در حال انجام است. با توجه به ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و احترام به اصل آزادی فردی، قانون‌گذار هر کشوری نسبت به این‌گونه ازدواج‌ها شرایط و مقرراتی تنظیم کرده است که آگاهی از آنها می‌تواند از خسارات و صدمات جبران‌ناپذیر بسیاری جلوگیری کند. قانون‌گذار ایرانی در عقد ازدواج اتباع ایران با اتباع بیگانه در صورت رعایت تمام شرایط صحت ازدواج همچون شرایط صحت وقوع عقد ازدواج، ازدواج زن ایرانی با تبعه بیگانه را منوط به اجازه دولت دانسته است. انگیزه قانون‌گذار از ایجاد محدودیت در انتخاب همسر تبعه بیگانه را باید در آثار و پیامدهای سیاسی ناشی از این‌گونه ازدواج‌ها به واسطه تغییر تابعیت زن ایرانی جست‌وجو کرد که به دلیل مصون نگه داشتن دستگاه‌های سیاسی و امنیتی از رخنه و نفوذ و تسلط بیگانگان است. قانون‌گذار ترکیه نیز این‌گونه ازدواج‌ها را پس از انجام تشریفات خاصی که بنابر رعایت مصالح بانوان و جامعه در نظر گرفته

^۱ دانش‌پژوه مقطع کارشناسی ارشد روانشناسی از ترکیه. مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه،

شده مجاز دانسته و به رسمیت می‌شناسد، اما به راستی شرایط صحت این ازدواج بین‌المللی چیست؟ نامزدی و برهم خوردن آن چه تبعاتی را به دنبال دارد؟ سن قانونی ازدواج و اذن بر عهده چه کسی است؟ مدارک ثبت و در صورت عدم ثبت چه تبعاتی به دنبال دارد؟ اقامتگاه زن پس از ازدواج کجا خواهد بود؟ چند همسری چه آثاری دارد و بطلان ازدواج در چه صورتی است؟ این تحقیق قصد دارد با تامل بر قوانین مدنی دو کشور با بررسی وضعیت حقوقی و شرایط صحت و تأثیر این ازدواج بر تابعیت، سؤالات مطرح شده را بررسی کرده و پاسخ مناسب ارائه کند.

واژگان کلیدی: ازدواج، تابعیت، قانون مدنی ایران، قانون مدنی ترکیه.

۱. مقدمه

ازدواج یکی از رویدادهای مهم زندگی است و از نظر اجتماعی به عنوان پیوندی با ثبات و هدفمند میان زن و مرد شناخته می‌شود. هر چند ازدواج به عنوان یک عمل ارادی تابع خواست، تمایلات و دیدگاه‌های فردی است، اما زندگی اجتماعی انسان و روابط پیچیده او با پیرامونش، ازدواج را در ارتباطی متقابل با متغیرهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی قرار می‌دهد. ازدواج علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای جنسی و عاطفی فرد، نیازهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی او را نیز تنظیم می‌کند و به عنوان هنجاری پذیرفته شده در همه کشورهای دنیا به حساب می‌آید.

بین مقوله اجتماعی با ثبات زیادی که همواره بر نفس آن حاکم بوده بسیار تحت تأثیر شرایط جامعه جدید قرار گرفته است. به طوری که امروزه با تحولات سیاسی جهانی، ازدواج‌های بین‌المللی یا چند تابعیتی گسترش یافته است. ازدواج چند ملیتی عنوان جدیدی نیست و سابقه زیادی دارد، اما آنچه امروزه این‌گونه ازدواج‌ها را از گذشته متمایز می‌کند قوانین و شرایط خاص مرتبط با آنهاست. در بحث تابعیت در دیدگاه سنتی اعتقاد بر آن است که به دلایلی همچون دوام و مستحکم ساختن نهاد خانواده و جلوگیری از حاکمیت قوانین مختلف یا معارض باید یک قانون بر خانواده حاکم باشد. چنین قانونی همان قانون متبوع زوج است که به تبع آن، تابعیت زوج بر زوجه تحمیل می‌شود که در اصطلاح وحدت تابعیت نامیده می‌شود. امروزه در کنار تلاش‌ها و اقدامات

اجتماعی به‌ویژه فعالیت‌های زنان در حوزه برابری حقوقی، تحولاتی در خصوص برابری در تابعیت مطرح شده است که براساس آن، تابعیت هیچ یک از زوجین بر دیگری تحمیل نشده و هر یک با ازدواج، تابعیت خود را حفظ می‌کند که در اصطلاح استقلال در خانواده گفته می‌شود. (توسلی نایینی، ۱۳۹۴) نتیجه استقلال در خانواده، پذیرش تابعیت مضاعف است که امروزه بسیاری از کشورها آن را پذیرفته‌اند.

فارغ از بحث تابعیت در ازدواج چند ملیتی مسائل مهم دیگری مانند اذن نکاح، نامزدی و شرایط آن، ازدواج‌های رسمی و غیر رسمی، آثار و شرایط ازدواج، مدارک لازم برای صدور پروانه ازدواج، ثبت ازدواج ازدواج مجدد زن بعد از طلاق یا فوت همسر، چند همسری، اقامتگاه قانونی و بطلان ازدواج در قوانین دو کشور قابل بررسی و تعمق است. بررسی قوانین مدنی کشور ایران و ترکیه حاکی از قرابت فرهنگی و حقوقی دو کشور است که به‌صورت تفصیلی طی مباحثی در این مجال بیان شده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. نکاح و ازدواج

نکاح مصدر ثلاثی و از ریشه نكح و در لغت به‌معنی تقابل است و در زبان عرب هرگاه دو کوه در مقابل یکدیگر قرار گرفته باشد، گفته می‌شود. ازدواج مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال است و در اصطلاح فقهی و قانونی به‌معنای رابطه‌ای است حقوقی که لازمه آن، جواز کام‌جویی بین زن و مرد است. هر چند از نظر لغت، ازدواج به‌معنای متحد شدن دو انسان و نکاح به‌معنای هم‌خوابگی آن دوست. برخی از استادان حقوق، نکاح را چنین تعریف کرده‌اند: «نکاح عقدی است که به‌موجب آن، زن و مرد به‌منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی با هم متحد می‌شوند» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۲۰/۱).

این تعریف جامع و کامل نیست. شرکت در زندگی و تشکیل خانواده و اتحاد زن و مرد، اهدافی است که در ازدواج دائم مطرح است و نکاح منقطع که از نظر فقهی و قانون مدنی که مشمول

عنوان کلی نکاح است را دربر نمی‌گیرد؛ زیرا در ازدواج موقت یا ازدواج با کنیزان که در اسلام و بسیاری از شرایع دیگر مطرح است هدف اصلی کام‌جویی است. بنابراین، چنین قصدی در عقد ازدواج شرط نیست. عده‌ای دیگر از حقوق دانان، نکاح را رابطه حقوقی می‌دانند که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌شود و به آنها حق زندگی با یکدیگر را می‌دهد و مظهر بارز این رابطه را حق تمتع جنسی می‌دانند (محقق داماد، ۱۳۷۲). ایرادی که به این تعریف می‌توان گرفت آن است که تمتع جنسی جزء ماهیت نکاح نیست و بدون آن نیز نکاح می‌تواند تحقق پیدا کند. البته تمتع جنسی از مهم‌ترین اغراض نکاح است و شاید مهم‌ترین هدفی است که اشخاص را به عقد نکاح وامی‌دارد، ولی اغراض دیگر مانند توالد و تناسل و همکاری در زندگی نیز در نکاح وجود دارد و درعین حال هیچ‌یک از این اغراض جزء ماهیت نکاح نیست و بدون هر یک از آنها تحقق نکاح ممکن است.

براساس قانون مدنی ترکیه، ازدواج عقدی است که در آن زوجین نسبت به انجام وظایف و حدودی که در چارچوب قانون و جامعه تعیین و مشخص شده نسبت به یکدیگر متعهد می‌شوند. ازدواج، یک زندگی مشترک برای همسران است که بین دو نفر از جنس مخالف انجام می‌شود. بنابراین، قانون مدنی ترکیه ازدواج همجنس‌گرایان را به رسمیت نمی‌شناسد. به نظر نگارنده و باتوجه به مطالب بیان شده می‌توان نکاح را چنین تعریف کرد: «نکاح رابطه‌ای است حقوقی یا عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌شود و به آنها حق زندگی با یکدیگر و کام‌جویی داده و ایشان را ملزم به انجام وظایف و مسئولیت‌های خاص زوجین که در چارچوب قانون و عرف مشخص شده، می‌کند.

۲-۲. تابعیت

در مورد تعریف تابعیت دانشمندان حقوق بین‌الملل بحث‌های مفصل و متعددی کرده‌اند و نظر واحدی ندارند، اما مطلبی که مسلم است ویژگی سیاسی و داخلی بودن تابعیت است؛ زیرا تابعیت حالت یا صفتی است ناشی از این حقیقت که شخص به یک ملت یا دولت تعلق دارد. اولین مسئله‌ای که برای دولتی مطرح می‌شود این است که افرادی را که متعلق به خود می‌داند از افراد و سایر کشورها جدا کند. بنابراین، بارزترین مظهر تقسیم جغرافیای اشخاص موضوع تابعیت است.

تابعیت عبارت از رابطه سیاسی و معنوی است که شخص را به دولت معینی مرتبط می‌کند. (نصیری، ۱۳۷۲) ذکر دو نکته اینجا ضروری به نظر می‌رسد: اول اینکه رابطه بین فرد و دولت، سیاسی است؛ زیرا ناشی از قدرت و حاکمیت دولتی است که فردی را از خودش می‌داند. در واقع تابعیت وضع سیاسی فرد را با التزام وفاداری وی به داشتن اعتقاد خالصانه و اطاعت از قوانین دولت برقرار می‌کند و این وفاداری و اطاعت در مقابل حمایتی است که دولت از فرد می‌کند (ارفع‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۴۴). دوم اینکه این رابطه معنوی است؛ زیرا مربوط به مکانی نیست که شخص در آنجا سکونت دارد. ایرانی هر کجا سکونت گزیند ایرانی است و همیشه رابطه خود را با کشورش حفظ می‌کند. به عبارت دیگر، یک ارتباط معنوی بین او و کشوری که او را از خود می‌داند موجود است؛ زیرا هر کسی که تبعه دولتی محسوب شود به هر کشور دیگری برود باز هم تبعه همان دولت است و نفس تغییر اقامتگاه تغییری در رابطه معنوی او با دولت مبتوع خودش ایجاد نمی‌کند. هر شخص تابعیتی دارد مگر اینکه در موارد استثنایی، شخص بدون تابعیت باشد که او را آپاترید می‌نامند.

۲-۱-۲. انواع تابعیت

اول) تابعیت اصلی یا مبدأ

تابعیتی است که از ابتدای تولد شخص به حکم قانون به وی تحمیل می‌شود. این تحمیل تابعیت از دو طریق امکان پذیر است: یکی از طریق خون و دیگری از طریق خاک که از آنها به سیستم خون و خاک یاد می‌کنند. (آل کجفاف، ۱۳۹۰، ص ۶۲) سیستم خون که آن را تابعیت نسبی نیز می‌نامند عبارت از سیستمی است که در آن، تابعیت از طریق نسب به طفل تحمیل می‌شود؛ یعنی طفل با تولد، تابعیت پدر و مادرش را پیدا می‌کند. سیستم خاک سیستمی است که به موجب آن، تابعیت را از روی محل تولد شخص معلوم می‌کنند؛ یعنی هر شخص تابعیت کشور و محل تولد خود را دارد و از آنجا که هر کسی به ناچار در محلی متولد می‌شود و آن محل نیز جزء قلمرو دولتی محسوب می‌شود.

طرفداران سیستم خون معتقدند که این سیستم این مزیت را دارد که داشتن افرادی در خارج از کشور باعث نفوذ سیاسی و افزایش اعتبار دولت می‌شود. همچنین از روش خون، نژاد، تا حدی پابرجا می‌ماند و از اختلاف نژاد تا حد امکان جلوگیری می‌شود و تمامیت ملی کشور حفظ می‌شود. طرفداران سیستم خاک نیز معتقدند انتساب هر فردی به دولتی بیشتر مربوط به خاک است. قدرت دولت‌ها نسبت به اشخاصی اعمال می‌شود که در قلمرو آنها سکونت دارد. همین که فردی از قلمرو دولتی خارج شد دیگر نفوذ و سلطه واقعی برای آن دولت نسبت به آن فرد وجود ندارد.

دوم). تابعیت اکتسابی

تابعیت اکتسابی که به آن تابعیت تبعی و اشتقاقی نیز گفته می‌شود عبارت از تابعیتی است که شخص در حیات خود و با فاصله‌ای بعد از تولد به دست می‌آورد که ممکن است در اثر ازدواج، اقامت و... باشد. البته بین تابعیت اشتقاقی، تابعیت اکتسابی و تابعیت تبعی از لحاظ مفهومی می‌توان تمایز قائل شد بدین ترتیب که تابعیت اشتقاقی، تابعیتی است که بعد از تاریخ تولد تا وقتی که شخص زنده است در اثر اعمال حقوقی شخص یا نماینده قانونی او ممکن است تحمیل شود مانند تحمیل تابعیت در اثر سکونت مدت معینی در کشورهای خارجی. تابعیت اکتسابی، تابعیتی است که از طریق ازدواج و یا پذیرفتن تابعیت کشور دیگر به دست می‌آید.

سوم) تابعیت تبعی

تابعیتی است که بر اثر ازدواج به زوجه و به فرزند صغیر شخص تحمیل می‌شود. در مورد اول، تابعیت زوج به زوجه و در مورد دوم، تابعیت پدر به فرزند تحمیل می‌شود. (لنگرودی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵) تابعیت ایرانی منسوب به شخص به لحاظ تولدش از پدر ایرانی (سیستم خون) در بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به این عبارت اشاره شده است: «کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند تبعه ایران محسوب می‌شوند». از نکات مهم در این ماده، اشاره به تولد در خارج از ایران از پدر ایرانی است. نتیجه این حکم آن است که با مشخص شدن هویت و تابعیت ایرانی پدر، تابعیت فرزند او نیز هر چند تولد فرزند در کشوری دیگر رخ داده و تابعیت آن کشور نیز به او تعلق گرفته باشد، طفل ایرانی است. تابعیت ایرانی پدر اعم است از آنکه

تابعیت اصلی را تابعیت اکتسابی باشد. بنابراین، قانون ایران تابعیت اصلی را بر حسب سیستم خون فقط از راه نسب پدری پذیرفته است و نسب مادری را به هیچ وجه منظور نداشته است. (ارفع نیا، ۱۳۸۶، ص ۶۸) علت عدم اشاره به نام مادر آن است که قانون گذار ایرانی در تنظیم قاعده های تابعیت ایران درباره خانواده های ایرانی قائل به وحدت تابعیت بوده و ذکر نام مادر را زائد می داند. بنابراین، باتوجه به بند ۶ ماده ۹۷۶ که هر زن خارجی را که با مرد ایرانی ازدواج کند، دارای تابعیت ایرانی می داند ایرادی به این بند نمی تواند وارد باشد؛ زیرا اگر مادر قبل از ازدواج پایدار ایرانی، خارجی بوده به محض انعقاد عقد ازدواج، زن خارجی بدون ابراز هیچ اراده ای به تابعیت ایرانی درمی آید، حتی اگر تابعیت خود را نیز طبق قانون کشور خود حفظ کرده باشد.

در نتیجه اگر کسی از مادر ایرانی و پدر بیگانه تولد شود تابعیت او از دایره شمول بند ۲ خارج می ماند مگر آنکه وی در سرزمین ایران تولد یافته باشد که در این حالت تابعیت ایرانی او به اقتضای مورد می تواند مشمول یکی از بندهای ۳ و ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی تلقی شود. (سلجوقی، ۱۳۸۰، ص ۷۸) می توان گفت که پذیرش تابعیت ایرانی پدر و انتقال آن به طفل معلوم الوالد شاید بدین دلیل باشد که نسب و مشروعیت طفل در حقوق اسلامی بر مبنای نسب پدری استوار است، اما باید اذعان داشت که تابعیت، پیوندی سیاسی است که در حقوق عمومی مطرح است و ارتباط میان اشخاص با یک دولت را برقرار می کند، اما نسب و پیوند طفل به والدین به دلیل ایجاد حق ابوت و ایجاد تکلیف برای والدین به احوال شخصیه و حقوق مدنی اشخاص مربوط است که در حقوق خصوصی مطرح می شود. ممکن است عدم پذیرش تابعیت ایرانی مادر در ایجاد تابعیت اصلی طفل منجر به ایجاد و گسترش معضل آپاتریدی یا بی تابعیتی شود (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۴، ص ۴۹). کشور ترکیه مانند بسیاری از کشورها از سیستم خون برای اخذ تابعیت تبعیت می کند و اگر فردی در خاک ترکیه متولد شود مطابق با تابعیت والدین به وی تابعیت اعطا می شود (ر.ک.، ماده ۶ قانون تابعیت ترکیه به شماره ۵۹۰۱ مصوب ۲۰۰۹). اگر فرزندی در خاک ترکیه متولد شود و یکی از والدین وی اقامت و تابعیت ترکیه را داشته باشند فرزند متولد شده نیز تابعیت را اخذ می کند و از تمام خدمات یک شهروند ترکیه ای برخوردار می شود (ر.ک.، ماده ۷ همان قانون).

البته کشور ترکیه تابعیت مضاعف را پذیرفته است و فردی که به تبع ازدواج رسمی از مادر ترک و پدر خارجی متولد شود، می‌تواند اقامت و تابعیت ترکیه را به دست آورد و یک شهروند ترکیه‌ای محسوب شود. (ر.ک.، بند ۲ ماده ۷ قانون تابعیت ترکیه) در بند اول ماده ۸ قانون تابعیت ترکیه برای فرزندان بدون تابعیت گفته شده که اگر فرزندی در خاک ترکیه از پدر و مادری متولد شود که تابعیت هیچ کشوری را نداشته باشند از بدو تولد شهروند ترکیه محسوب می‌شود. در بند دوم این ماده نیز بیان شده کودکی که در خاک ترکیه پیدا شده مادامی که خلاف آن اثبات نشود در حکم متولد شده در خاک ترکیه است.

۳. قانون مدنی ایران

قانون مدنی، مجموعه‌ای از مواد قانونی است که اساسی‌ترین قواعد قانونی حاکم بر ارتباطات اشخاص با یکدیگر را در جامعه بیان می‌کنند. مهمترین مسائلی که در قانون مدنی هر کشور به آنها پرداخته می‌شود عبارتند از: احوال شخصیه اعم از اهلیت و وضعیت، قراردادهای و عقود (مختصات و شرایط صحت)، مسئولیت مدنی، حقوق تعهدات و حقوق خانواده اعم از ازدواج، طلاق. قانون مدنی کشورهای مختلف قدمت زیادی دارد و به‌عنوان پیکره اصلی حقوق خصوصی کشور کمتر دستخوش تغییرات عمده می‌شوند. وظیفه اصلی این قانون، تنظیم روابط قراردادی و خارج از قرارداد اشخاص جامعه است، اما در عمل، سایر شاخه‌های حقوق را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

قانون مدنی ایران متشکل از سه جلد است: جلد اول در اموال (مصوب ۱۳۰۷)؛ جلد دوم در اشخاص (مصوب ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴) و جلد سوم در ادله اثبات دعوا. این قانون برگرفته از حقوق اسلام به‌ویژه فقه امامیه است که شکل امروزی و مدون آن به‌همراه محتوای برخی مواد، تقلیدی از قوانین اروپایی به‌ویژه قانون مدنی فرانسه و تا حدودی سوئیس است. این قانون از مشهورترین و مهمترین متون درسی حقوق است که نوشته‌های حقوقی بسیاری پیرامون آن وجود دارد. از معروف‌ترین حاشیه‌نویسان و شارحان این قانون می‌توان به دکتر سید حسن امامی، محمدجعفر جعفری لنگرودی، امیرناصر کاتوزیان، حسین صفایی و مهدی شهیدی اشاره کرد.

۴. قانون مدنی ترکیه

قانون مدنی ترکیه به شماره ۴۷۲۱ مصوب ۰۸/۱۲/۲۰۰۱ است که در قالب ۱۰۳۰ ماده در چهار کتاب به بیان قوانین پرداخته است: کتاب اول از ماده ۱ الی ۱۱۷ بیان حقوق اشخاص؛ کتاب دوم از ماده ۱۱۸ الی ۴۹۴ بیان حقوق خانواده؛ کتاب سوم از ماده ۴۹۵ الی ۶۸۲ بیان حقوق ارث و میراث؛ و کتاب چهارم نیز از ماده ۶۸۳ الی ۱۰۳۰ به بیان حقوق اشیاء پرداخته است. حقوق خانواده در کتاب سوم از سه قسمت تشکیل شده است که باتوجه به موضوع مورد بحث بخش اول مربوط به حقوق ازدواج است که در آن وظایف زن و شوهر در خانواده، چگونگی تشکیل خانواده (نامزدی، ازدواج) در صورت عدم توافق چگونگی انحلال آن (طلاق) و سایر مقررات و قوانین مربوط به ازدواج بررسی شده است.

۵. سن قانونی

ازدواج یکی از حساس‌ترین وقایع زندگی انسان و از مهمترین نهادهای حقوقی جوامع بشری است. لزوم آمادگی و بلوغ جسمانی و رشد قوای عقلانی افراد برای آغاز زندگی مشترک و اقدام به ازدواج تا حدی است که بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان، حداقلی از سن را برای آغاز این مرحله از زندگی ضروری دانسته‌اند. نظام حقوقی ایران از ابتدا تاکنون در خصوص شرط حداقل سن برای اقدام به ازدواج، دستخوش تحولات متعددی شده و مقررات متنوعی را تجربه کرده است، اما در نهایت ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران به موضوع سن قانونی ازدواج می‌پردازد.

قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ و تبصره آن مطابق ماده ۱۰۴۱: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح» بنابراین، این نتیجه به دست می‌آید که اکنون سن ازدواج در ایران برای دختران ۱۳ سال تمام شمسی و برای پسران ۱۵ سال تمام شمسی است و البته ازدواج قبل از این سن نیز منوط به سه شرط است: الف) اذن ولی؛ یعنی باید ولی اراده خود را مبنی بر موافقت با این ازدواج اعلام کند. موافقت ولی یعنی، پدر یا جد پدری اگرچه لازم است، کافی نیست؛ ب) رعایت مصلحت کودکان؛ مصلحت طفل،

مفهومی بسیار سیال است و با عنوان غبطه در فقه آمده و به معنای مصالح و منافع عالی کودک در ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق کودک بیان شده است، اما تشخیص مصلحت کودک کار مشکلی است؛ (ج) تأیید دادگاه صالح: مهمترین شرطی که می‌تواند حقوق کودک و نوجوان را در این ازدواج‌ها تأمین کند دخالت و تأیید دادگاه است. دادگاه به موضوع رسیدگی می‌کند و تنها در صورتی اجازه ازدواج را می‌دهد که مصلحت کودک را احراز کند. بدون تأیید دادگاه، چنین ازدواج‌هایی ممکن است زمینه سوء استفاده از کودکان را فراهم کند. دادگاه صالح در این خصوص، دادگاه خانواده است. البته گفتنی است که مصلحت طفل باتوجه به مسائل مختلفی به دست می‌آید مانند وضعیت خانوادگی، اقتصادی، شرایط اجتماعی و تحصیلی و حتی الزامات قانونی. برای مثال اگر ازدواج موجب ترک تحصیل است، ممکن است مصلحت کودک نباشد. بنابراین، قاضی باید این مصالح را در نظر بگیرد که چنین ازدواجی به نفع کودک است یا خیر.

همچنین ماده ۶۴۶ قانون مجازات اسلامی نیز ازدواج قبل از بلوغ را تحت شرایطی ممنوع می‌داند و برای مرتکب آن مجازات تعیین می‌کند. براساس این ماده، ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است. چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج کند به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود. مطابق ماده ۱۲۴ قانون مدنی ترکیه سن قانونی برای ازدواج ۱۸ سال است. تنها موارد خاصی از این قانون مستثنی هستند و اجازه ازدواج در سنین زیر ۱۸ سال را خواهند داشت: یک فرد ۱۷ ساله چه دختر یا پسر تنها با داشتن اجازه قانونی والدین یا قیم قانونی خود می‌تواند ازدواج کند. یک فرد ۱۶ ساله دختر یا پسر، تنها با داشتن اجازه قانونی والدین یا قیم قانونی خود و اخذ اجازه رسمی از دادگاه می‌تواند ازدواج کند (ر.ک.، ماده ۱۲۴ قانون مدنی ترکیه).

بر اساس قوانین جزایی در ترکیه، ازدواج با یک کودک زیر سن قانونی مانند کودک آزاری و سوء استفاده جنسی کودکان شناخته شده و تفاوتی در نوع اعمال قانون میان ازدواج یا تجاوز نیست؛ زیرا پدر دختر و همسر او به مجازات حبس از دو تا شانزده سال محکوم خواهند شد. (ر.ک.، مواد ۱۰۳ و ۱۰۴ قانون مجازات ترکیه) از سوی دیگر، تمام سازمان‌های دولتی، مراکز آموزشی و درمانی و

همچنین سازمان‌های غیر دولتی (NGO) موظف به گزارش هرگونه مورد کودک‌آزاری و در خطر قرار گرفتن امنیت کودکان هستند. همچنین هر کس که در زمینه بروز این جرائم آگاهی پیدا کند موظف به گزارش کردن است. در غیر این صورت محکوم به حداقل یک سال حبس می‌شود (ر.ک.، ماده ۱۰۵ قانون مجازات ترکیه).

۶. اذن

بر اساس ماده ۲۰ قانون ازدواج ترکیه، فرزند بدون رضایت پدر و مادر یا وصی نمی‌تواند ازدواج کند و رضایت هر یک از آن دو یا وصیشان برای انجام نکاح کفایت می‌کند؛ یعنی در حقوق ترکیه رضایت مادر نیز برای تحقق نکاح مؤثر است. در حقوق ایران، نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد منوط به اجازه جد پدری یا پدر اوست و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند اجازه او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام کند (ر.ک.، ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی ایران)

۷. نامزدی

نامزدی یا وعده ازدواج، قراردادی است بین دو نفر جنس مخالف که به منظور ازدواج در آینده نهاده می‌شود. ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی چنین بیان می‌دارد: «وعده ازدواج، ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند اگرچه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر شده، پرداخته شده باشد. بنابراین، هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده، می‌تواند از وصلت امتناع کنند و طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی کند».

ماده ۱۱۸ قانون مدنی ترکیه می‌گوید: «نامزدی به وعده ازدواج گفته می‌شود، ولی مادامی که رضایت طرفین نامزدی حاصل نشود یا صغیر و سفیه را نمی‌توان مجبور به نامزدی کرد». بنابراین،

نکاح در قانون مدنی در ایران فقط از طریق صیغه عقد و در ترکیه با مراجعه به مأمورین ازدواج در شهرداری‌ها و ثبت آن تحقق می‌یابد. بنابراین، مراجعه به مأمورین ازدواج و عدم ثبت آن، هیچ رابطه حقوقی بین زن و مرد بوجود نمی‌آورد. حتی اگر دختر و پسر قبل از اجرای صیغه عقد با عنوان نامزدی به ازدواج با یکدیگر متعهد شوند و برای تخلف از آن مبلغی را به منزله التزام معین کنند این تعهد مورد حمایت قانون نیست و بی‌اثر است و مبلغ التزام شده نیز قابل مطالبه نیست. پس در نامزدی، هر یک از طرفین قبل از وقوع عقد حق دارند که از وصلت امتناع کنند و هیچ عاملی نمی‌تواند آنها را به ازدواج مجبور کند و هرگونه تعهد در نامزدی بلااثر و باطل است. همان‌گونه که ماده ۱۰۳۵ صراحت دارد، قبل از اجرای صیغه عقد هیچ الزامی برای طرفین وجود ندارد و هر یک از آنها می‌توانند بدون عذر موجه از وصلت خودداری کند و طرف مقابل نمی‌تواند او را مجبور به ازدواج کند.

از آنجاکه ازدواج قراردادی مهم است قانون‌گذار ایرانی و ترک به مرد و زن امکان داده است که تا آخرین لحظه قبل از وقوع عقد از تصمیم خود بازگردند؛ زیرا انصراف از یک تصمیم نسنجیده و خلف وعده زناشویی هر چند که از نظر اخلاق مذموم باشد، بهتر از آن است که زن و مرد، خانواده‌ای متزلزل تشکیل دهند. بنابراین، هیچ یک از نامزدها نمی‌تواند نامزد دیگر را از طریق قضایی مجبور به ازدواج کند که این مطلب به صراحت در ماده ۱۱۹ قانون مدنی ترکیه بیان شده است. با این وجود اگر یکی از نامزدها در به هم زدن نامزدی مقصر باشد نامزد دیگر می‌تواند با رعایت حدود مقرر در قانون، مطالبه خسارت کند که در ضمن آن، مسئله پس گرفتن هدایا نیز مطرح می‌شود که قانون‌گذار ترک نیز اجازه پس گرفتن هدایا را داده و مقرر داشته چنانچه هدیه پس از مطالبه به صورت مثلی یا قیمی عودت داده نشود احکام دارا شدن بلاجهت بر آن اعمال می‌شود. (ر.ک.، ماده ۱۲۲ قانون مدنی ترکیه) ماده ۱۲۰ قانون ترکیه می‌گوید: «اگر یکی از طرفین نامزدی بدون وجود دلیل موجه یا به سبب مشکل پیش آمده برای یکی از ایشان نامزدی را بر هم زند طرف مقصر موظف است در چارچوب اصل حسن نیت و صداقت و درستی برای جبران خسارات وارده به منظور ازدواج و فداکاری‌های مالی او را به نحو مطلوب و مناسب جبران کند. این

قاعده در رابطه با هزینه نامزدی نیز اعمال می‌شود. پدر و مادر طرفی که حق درخواست جبران خسارت دارد یا خود او و افرادی شبیه به والدین نیز می‌توانند باتوجه به شرایط مندرج جبران خسارات صورت گرفته را مطالبه کنند».

با مراجعه به قوانین می‌توان چنین استنباط کرد که بر هم زدن نامزدی بدون علت موجه، نوعی سوء استفاده از حق است و تقصیر شمرده شده و موجب ضمان و مسئولیت مدنی خواهد بود. از این رو زیان‌های ناشی از بر هم زدن ناموجه نامزدی طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی (ماده ۳۳۱ قانون مدنی و ماده یکم قانون مسئولیت مدنی) قابل مطالبه است. حال این سوال مطرح می‌شود که هرگاه در اثر به هم خوردن نامزدی بدون علت موجه به حیثیت و آبروی نامزد دیگر یا به عواطف و احساسات او لطمه قابل توجهی وارد شود، آیا زیان دیده می‌تواند از این حیث مطالبه خسارت کند.

قانون مدنی ایران در این باره ساکت است، ولی باتوجه با ملاک اصل ۱۷۱ قانون اساسی و به استناد ماده ۲ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ که جبران خسارت معنوی را به صراحت به رسمیت شناخته است، می‌توان به نامزد زیان دیده حق داد که علاوه بر مطالبه خسارات مادی، جبران زیان‌های معنوی را نیز بخواهد. قانون مدنی ترکیه نیز در ماده ۱۲۱ جبران خسارت معنوی را به رسمیت شناخته و به طرف مقابل اجازه داده تا از طرف مقابل به عنوان جبران خسارت در حد متناسب و عرفی پول جهت جبران خسارت مطالبه کند.

در بررسی تطبیقی قوانین هر دو کشور جبران خسارت معنوی به رسمیت شناخته شده است، ولی در متن ماده ۱۲۱ قانون مدنی ترکیه به صراحت بیان شده تا نامزد زیان دیده در حد متناسب و عرفی از عامل زیان پول مطالبه کند؛ یعنی هم ملاک برای نحوه جبران بیان شده است و هم میزان آن. ولی قانون مسئولیت مدنی در این باره مسکوت است و ملاکی دست قاضی برای نحوه جبران نمی‌دهد. ذیل ماده دو قانون مسئولیت مدنی ایران گفته شده دادگاه او را به جبران همان نوع خسارتی که وارد نموده محکوم خواهد کرد. سؤال این است که در مورد به هم خوردن نامزدی و وقوع تالم روحی برای زیان دیده، عامل زیان را چگونه می‌توان به جبران همان نوع خسارت محکوم

کرد. اگر کسی بخواهد دقیق تر کنکاش کند باید گفت که نامزدی بعدی عامل زیان به حکم دادگاه ابطال شود تا جبران همان نوع خسارت باشد که این نوع مقابله در عالم حقوق جایگاهی ندارد و بسیار به جاست که قانون گذار همچون ماده ۱۲۱ قانون مدنی ترکیه حدود و نحوه جبران خسارت معنوی در باب نامزدی مشخص کند.

۸. ازدواج غیر رسمی

ممکن است ازدواج شرعی که بین دو تبعه ایرانی صورت پذیرفته مشکلی نداشته باشد و به راحتی در مراجع رسمی با حکم دادگاه قابل ثبت و به رسمیت شناخته شده باشد، اما ازدواج بین اتباع ایران با اتباع بیگانه بدون هماهنگی مراجع رسمی، مشکلات فراوان را به همراه دارد و چون آثار ازدواج به عنوان یک عقد اجتماعی دامن گیر جامعه می شود و آثار اجتماعی آن محدود به طرفین عقد نمی شود بلکه سرنوشت فرزندان نیز بر این ازدواج وابسته است. بنابراین، طرفین نمی توانند آزادانه آثار آن را معین کنند. نتایج و آثار آن به طور امری از طرف قانون گذار معین می شود و مجموع مقررات آن، موقعیت قانونی خاصی را به وجود می آورد که زن و مرد فقط می توانند به تراضی خود را در آن موقعیت قرار دهند و حق ندارند نظمی را که قانون گذار برای اداره درست خانواده لازم دیده است بر هم زنند. (کاتوزیان، ۲۱/۱۰) بنابراین، ازدواجی که براساس قانون منعقد نشده باشد و یا تشریفات لازم را طرفین انجام نداده باشند مورد حمایت قانون قرار نمی گیرد.

براساس قوانین مدنی ترکیه، ازدواج های رسمی (مدنی) به رسمیت شناخته می شود و انواع دیگر ازدواج و ازدواج های غیر قانونی در ترکیه به رسمیت شناخته نمی شوند. (ر.ک.، ماده ۱۴۵ قانون مدنی ترکیه) ازدواج قانونی از این نقطه نظر مهم است که امنیت حقوق فرزندان و همسر به ویژه زوجه را تضمین می کند. ازدواج مذهبی (از طریق روحانیون – امام) نیز تنها پس از برقراری ازدواج قانونی امکان پذیر خواهد بود. در غیر این صورت زوجین طبق قانون مجازات ترکیه مشمول حبس از سه ماه تا دو سال و پرداخت غرامت خواهند بود (ر.ک.، ماده ۲۳۷ قانون مجازات ترکیه).

۹. ازدواج زن ایرانی با مرد ترکیه‌ای

بر اساس ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موکول به اجازه مخصوص از دولت است. این اجازه در قالب فرم‌هایی است که پروانه زناشویی نامیده می‌شود. در مورخه ۱۳۱۰/۷/۱۰ ماده ۱۷ قانون ازدواج، ازدواج بانوان ایرانی با مرد بیگانه را موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت دانست و برای بیگانگانی که بدون کسب اجازه، مبادرت به ازدواج با زنان ایرانی کنند، مجازات قائل شد. در اصطلاحات بعدی در نهایت هیئت وزیران در جلسه مورخه ۱۳۵۴/۷/۶ بنا بر پیشنهاد وزارت کشور در اجرای ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶، آیین‌نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه را تصویب کردند.

۱۰. مدارک برای صدور پروانه ازدواج

بر اساس آیین‌نامه موجود، زوجین باید مراحل زیر را طی کنند تا بتوانند از دولت مجوز عقد بگیرند. مرکزی که این جواز را صادر می‌کند وزارت کشور است که مراحل آن عبارتند از: تقدیم درخواست‌نامه مرد و زن مبنی بر تقاضای صدور پروانه اجازه زناشویی به وزارت کشور؛ گواهی‌نامه از مرجع رسمی کشور متبوع مرد، مبنی بر بلامانع بودن ازدواج با زن ایرانی و به رسمیت شناختن ازدواج در کشور متبوع مرد. اگر تهیه این گواهی‌نامه برای متقاضی امکان‌پذیر نباشد وزارت کشور می‌تواند بدون دریافت این مدرک در صورت رضایت زن، پروانه زناشویی را صادر کند؛ اگر مرد غیر مسلمان و زن مسلمان باشد، گواهی یا استشهاد تشرف مرد به دین مبین اسلام. همچنین، وزارت کشور طبق ماده ۳ آیین‌نامه مزبور موظف شده در صورت تقاضای زن، برخی مدارک دیگر را نیز از مرد مطالبه کند از جمله گواهی‌نامه مبنی بر اینکه مرد مجرد است یا متأهل از مرجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد؛ گواهی نداشتن پیشینه بد و محکومیت کیفری مرد از مراجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد و همچنین گواهی عدم سوء پیشینه کیفری از مراجع کشور در صورتی که مرد بیگانه در ایران اقامت داشته باشد؛ گواهی از مراجع محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد مبنی بر وجود استطاعت و مکتب زوج و همچنین

تعهد نامه ثبتي از طرف مرد بيگانه مبني بر اينكه تعهد شود هزينه و نفقه زن و اولاد و هرگونه حق ديگري كه زن نسبت به او پيدا مي كند در صورت بد رفتاري يا ترك و طلاق پرداخت كند.

ماده ۲۰ قانون ازدواج تركيه در اين رابطه چنين بيان مي كند: وجود اسناد زير در پرونده ازدواج ضروري است: اعلاميه (مجوز صدور مجوز براي ازدواج) كه در دو نمونه صادر مي شود؛ گزارش بهداشت و سلامت رسمي از مؤسسات و سازمان هاي بهداشتي رسمي يا خصوصي؛ گواهي موافقت و رضايت والدين؛ عكس رسمي؛ گواهي مجوز ازدواج. اگر گزارش بهداشتي و سلامت گرفته نشود ازدواج نمي تواند انجام شود. روش هاي مرتبط با گزارش سلامت بايد توسط دايره اي كه وزارت بهداشت آن را منتشر مي كند با توجه به شرايط در حال تغيير و توسعه در زمينه سلامت تعيين شود. گواهي تأييد پزشكي براي تأييد مجوز ازدواج بيماران رواني ضميمه پرونده مي شود.

۱۱. تابعيت زن پس از ازدواج با فرد بيگانه در حقوق داخلي ايران

در ماده ۹۸۷ ق.م.آ.مده است: «زن ايراني كه با تبعه خارجه مزاجت مي نمايد به تابعيت ايراني خود باقي خواهد ماند مگر اينكه مطابق قانون مملكت زوج، تابعيت شوهر به واسطه عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود». قانون گذار ايراني براي پيشگيري از بي تابعيتي يا تابعيت مضاعف زن صور ذيل را پيش بيني کرده است:

-اگر قانون مملكت زوج تابعيت شوهر را به زن تحمیل نكند علي الاصول زن ايراني به تابعيت خود باقي خواهد ماند؛

-اگر مطابق قانون مملكت زوج، تابعيت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زن تحمیل شود زن ايراني تابع مملكت شوهر خواهد شد. قانون ايران در اين بند از سيستم وحدت تابعيت بين زن و شوهر پيروي کرده است. همچنين به دليل مسائل بين المللي و احتراز از تابعيت مضاعف و بي تابعيتي در اين مورد، قانون ايران، دولت متبوع شوهر را محترم شمرده و آن را بر اصل بقاي زن بر تابعيت ايراني خود مقدم داشته است؛

-هرگاه قانون مملكت شوهر، زن را بين حفظ تابعيت اصلي و تابعيت شوهر مختار بگذارد در اين مورد زن ايراني اگر بخواهد تابعيت مملكت شوهر را دارا شود و علل موجهي هم براي تقاضاي

خود داشته باشد باید تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه تقدیم کند تا با تقاضای زن موافقت شود. قانون ایران در این مورد سخت‌گیری نکرده است. بنابراین، اگر زن بخواهد می‌تواند با علت موجه تابعیت شوهر بیگانه خود را بپذیرد یا به تابعیت ایرانی خود باقی بماند. (ارفع‌نیا، ۱۳۸۶، ۹۰/۲۱)

باتوجه به مطالب فوق معلوم می‌شود که زن ایرانی اگر با شوهر خارجی ازدواج کند وقتی تابعیت ایرانی خود را از دست می‌دهد که یا قانون دولت متبوع زوج، تابعیت شوهر را به زن تحمیل کند یا در صورت اختیار، زن تابعیت شوهر خود را که با تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه داده است، قبول کند. حال اگر دولت متبوع زوج، تابعیت شوهر را به زن تحمیل نکند یا زن با اختیار خودش تابعیت مملکت شوهر را نپذیرد تابعیت ایرانی خود را از دست نمی‌دهد و ایرانی باقی می‌ماند. (نشریه حقوق بشر، ۱۳۵۴) باتوجه به مطالب فوق و با مراجعه به قانون دولت ترکیه و پذیرش تابعیت مضاعف و عدم تحمیل تابعیت شوهر به زن، نیازی به ترک تابعیت ایران نبوده و زن ایرانی به تابعیت خود باقی خواهد ماند.

۱۲. ازدواج زن ترکیه‌ای با مرد ایرانی

بر اساس بند ششم ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، زن خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند تبعه ایران محسوب می‌شود. باتوجه به مواد فوق و اصل وحدت تابعیت پذیرفته شده در حقوق داخلی ایران، زن ترکیه‌ای پس از ازدواج با مرد ایرانی، ایرانی محسوب شده و تمام حقوق وی مشمول قوانین و مقررات داخلی خواهد بود، اما تابعیت اصلی وی باتوجه به پذیرش تابعیت مضاعف در حقوق ترکیه کماکان به قوت خویش باقی خواهد ماند و خللی در آن پیش نمی‌آید. به عقیده نگارنده باتوجه به فراگیری و شمول ازدواج‌های بین‌المللی بسیار به جاست با تغییر اصل وحدت تابعیت و پذیرش تابعیت مضاعف از تبعات منفی بند ششم ماده ۹۷۶ از جمله عدم علاقه زن به اخذ تابعیت ایرانی جلوگیری کرد. از سوی دیگر سه شرط قانون‌گذار برای دادن تابعیت ایرانی عبارت است از: لیاقت؛ یعنی سوء پیشینه نداشته باشد؛ مکنت یعنی، سربار جامعه ایرانی نباشد؛ و اقامت که پنج سال در ایران زندگی کرده باشد.

با توجه به بند ششم ماده ۹۷۶ ممکن است زن هیچ کدام از شرایط فوق را نداشته باشد، اما تابعیت ایرانی اخذ کند. از سوی دیگر، این تابعیت قطعی است و پس از طلاق و فوت زوج باقی می ماند مگر آنکه به موجب ماده ۹۸۶ قانون مدنی زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می شود بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول رجوع کند مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه راکتیباً مطلع کند، اما هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد، نمی تواند مادام که اولاد او به سن هجده سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند. زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می شد، حق داشتن اموال غیر منقول نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد و هرگاه دارای اموال غیر منقولی بیش از آنچه که برای اتباع خارجه، داشتن آن جایز است، بوده یا بعداً به ارث، اموال غیر منقولی بیش از آن حد به او برسد باید در ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک در مورد ارث مقدار مازاد را به نحوی از انحا به اتباع ایران منتقل کند. در غیر این صورت اموال مزبور با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت به آنها داده خواهد شد.

۱۳. ثبت

ثبت واقعه ازدواج مطابق قوانین و مقررات نظام حقوقی ایران الزامی است. براساس ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی برای حفظ کیان خانواده، ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است. اگر مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی، مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع کند به مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم می شود. ثبت ازدواج در نظر قانون گذار، ترک شرط پذیرش و صحت ازدواج دانسته شده و اگر ازدواجی ثبت قانونی نشود از منظر قانون، فاقد اعتبار دانسته شده و هیچ یک از آثار حقوقی ازدواج بر آن مترتب نخواهد شد، ولی انحلال آن تنها با حکم قاضی امکان پذیر خواهد بود. (ر.ک.، ماده ۱۵۶ قانون مدنی ترکیه)

در رویه قضایی سؤالی که از اداره حقوقی در این خصوص شده این است که آیا اگر یک زن ایرانی بدون کسب اجازه دولت با مرد تبعه بیگانه ازدواج کند این ازدواج صحیح است یا خیر. نظریه

اداره حقوقی به شماره ۷/۷۰۰۵ مورخ ۱۳۸۲/۸/۱۹ براساس ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ و ۱۳۱۶ و مواد ۱۰۶۰ قانون مدنی، ازدواج زن ایرانی با تبعه بیگانه در موردی هم که منع قانونی ندارند موکول به اجازه دولت است و بیگانه‌ای که بدون اجازه مذکور با زن ایرانی ازدواج کند به حبس از یک تا ۳ سال محکوم می‌شود. با توجه به موارد مذکور، صحت ازدواج، موکول به اجازه دولت نیست بلکه ثبت آن محتاج اجازه است. بنابراین، دادگاه پس احراز تحقق زوجیت فقط وقتی می‌تواند دستور ثبت آن را صادر کند که اجازه مخصوص ضمیمه تقاضا باشد، اما صدور حکم به تحقق زوجیت بدون دستور ثبت آن در دفتر رسمی ازدواج بلاشکال است.

۱۴. ازدواج مجدد زن بعد از طلاق یا وفات شوهر

زن در حقوق ایران بعد از وفات شوهر یا طلاق، عده می‌گیرد. بنابر ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است، نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند. مقررات عده در حقوق ایران از فقه امامیه گرفته شده است. عده اقسام مختلفی دارد: عده وفات، عده طلاق، عده فسخ نکاح، عده نزدیکی به شبهه و عده بذل یا انقضای مدت در نکاح منقطع.

- عده وفات عبارت است از مدتی که زن بعد از مرگ شوهر باید برای اختیار شوهر دیگر صبر کند که مبتنی بر آیه ۲۳۴ سوره بقره، چهار ماه و ده روز است. ماده ۱۱۵۴ قانون مدنی در این باره می‌گوید: «عده وفات چه در دائم چه در منقطع، چهار ماه و ده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد وگرنه مدت عده، همان چهار ماه و ده روز خواهد بود».

- عده طلاق بر حسب اینکه زن آبستن باشد یا نه متفاوت است. بعضی از زنان هم اصلاً عده طلاق ندارند.

عده زن آبستن: براساس ماده ۱۱۵۳ ق. م عده زن آبستن تا وضع حمل است. بنابراین، هرگاه با فاصله کمی بعد از طلاق زایمان روی دهد عده منقضی می‌شود و زن می‌تواند بار دیگر ازدواج کند.

عده زن غیر آبستن: برابر ماده ۱۱۵۱ ق.م.عده طلاق زن غیر آبستن سه طهر است. طهر در اصطلاح حقوقی یعنی، پاکی زن از عادت زنانگی و نیز مدتی که بین دو عادت زنانگی قرار می‌گیرد. احتساب سه طهر بدین ترتیب است که طهری که در طلاق واقع شده هر چند یک لحظه از آن باقی باشد یک طهر به‌شمار می‌آید و هرگاه زن پس از آن دوباره عادت شود و دو طهر کامل ببیند به محض اینکه وارد عادت سوم شد، مدت عده پایان یافته است.

زنانی که عده طلاق ندارند: ماده ۱۱۵۵ ق.م.زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح، ولی عده وفات در هر مورد باید رعایت شود. مقصود از زن یائسه زنی است که به سن یاس رسیده باشد؛ یعنی سنی که دیگر امید باردار شدن ندارد.

در حقوق ترکیه این مدت ۳۰۰ روز تعیین شده است که در مورد طلاق و بطلان نکاح نیز لازم‌الرعایه است، اما اگر زن وضع حمل کند عده مذکور پایان می‌یابد. همچنین اگر زن و شوهری که از یکدیگر جدا شده‌اند، بخواهند ازدواج مجدد کنند حاکم می‌تواند مدت مذکور را حذف کند. (ر.ک.، ماده ۱۳۲ قانون مدنی ترکیه) در حقوق ترکیه، زن و شوهر در صورت رجوع نیز باید مدت عده را رعایت کنند و حاکم مخیر است که مدت مذکور را کاهش دهد یا نه، اما در حقوق ایران، زن و شوهری که از یکدیگر جدا شده‌اند در صورت تمایل به رجوع، نیازی به حکم دادگاه و رعایت مدت عده ندارند و مدت عده در طلاق و بطلان نکاح ۳۰۰ روز نیست.

۱۵. چند همسری

ماده ۱۶ قانون حمایت از خانواده بیان می‌دارد: «مرد نمی‌تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند مگر در مواردی که عبارتند از: رضایت همسر اول؛ عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی؛ عدم تمکین زن از شوهر؛ ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج؛ محکومیت زن به حبس بیش از شش ماه؛ ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر؛ ترک زندگی خانوادگی از طرف زن؛ عقیم بودن زن؛ غایب مفقود‌الاثرا شدن زن». در بندهای دوم تا نهم این ماده قانونی، موضوعاتی مطرح شده که ازدواج مجدد مرد به واسطه آن طبیعی به نظر می‌رسد، اما اگر زوجه مشکلی نداشته باشد،

بیمار نباشد، محبوس و مجنون هم نباشد، بچه دار هم شده باشد، در این صورت تنها راه مرد برای ازدواج مجدد اخذ رضایت همسر اول و کسب اجازه از دادگاه است. البته احراز تحقق بندهای دوم تا نهم هم با دادگاه است و اگر دادگاه آن را احراز نکند اجازه ازدواج مجدد را به مرد نخواهد داد. مردی که می خواهد مجدد ازدواج کند باید دادخواستی به طرفیت همسر اول خود تنظیم و در آن خطاب به دادگاه دلایل و علل تقاضای خود را بیان کند.

دادگاه نیز با تعیین وقت رسیدگی، نسخه ای از دادخواست را برای همسر اول ارسال می کند تا به آن پاسخ دهد یا برای جلسه دادگاه خود را آماده کند، پس از آن دادگاه با انجام اقدامات ضروری و تحقیق از زن اول و پس از احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت بین همسران به شوهر اجازه ازدواج مجدد می دهد و اگر مرد شرایط و اوضاع مالی مساعدی نداشته باشد و زن نیز حاضر به تمکین و ایفای وظایف زناشویی باشد با درخواست او مخالفت خواهد کرد. براساس ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده، سردفتران ازدواج حق ندارند بدون اجازه دادگاه اقدام به ثبت ازدواج مجدد مرد کنند و بر این اساس هر سردفتر رسمی که بدون اخذ گواهی، بدون اخذ اجازه نامه یا حکم صادر شده در مورد تجویز ازدواج مجدد یا بر خلاف مقررات به ثبت ازدواج اقدام کند به محرومیت و مجازات اسلامی از اشتغال به سردفتری محکوم می شود، ولی براساس قوانین مدنی ترکیه، چند همسری علاوه بر ممنوعیت، جرم محسوب شده و طبق ماده ۲۳۰ قانون مجازات ترکیه با وی برخورد خواهد شد. (ر.ک.، ماده ۵۶ قانون ازدواج به شماره ۳۰۸۰ مصوب سال ۱۹۸۴)

۱۶. اقامتگاه

اقامتگاه در اصطلاح حقوقی به مکان معینی گفته می شود که فعالیت ها و امور شخص مانند سکونت و اداره امور در آن مکان متمرکز شده و به عبارت دیگر، اقامتگاه، عنصر شناسایی شخص حقیقی و حقوقی است. اقامتگاه هر شخص به هر محلی گفته می شود که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد. (ر.ک.، ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی ایران) اقامتگاه زن شوهردار، همان اقامتگاه شوهر است، اما زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و نیز زنی که با رضایت شوهر خود یا با اجازه محکمه مسکن جداگانه اختیار کرده است، می تواند اقامتگاه شخصی

جداگانه نیز داشته باشد (ر.ک.، ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی ایران). اصل در اقامتگاه زن، تبعیت از شوهر است. بنابراین، اقامتگاه زن از جمله اقامتگاه‌های اجباری است. البته در این زمینه استثنائاتی وجود دارد.

اگر شوهر، اقامتگاه معلومی نداشته باشد قاعده تبعیت زن از شوهر نمی‌تواند اعمال شود. بنابراین، به موجب قانون، زن می‌تواند برای خود اقامتگاهی انتخاب کند. همچنین اگر زن و شوهر توافق کنند و شوهر رضایت دهد که زن اقامتگاه مستقلی داشته باشد این اقامتگاه، اقامتگاه زن شوهردار خواهد بود. این جواز قانونی نشان می‌دهد که قاعده تبعیت زن از شوهر در تعیین اقامتگاه در ماده ۱۰۰۵ قانون آمره‌ای نیست و می‌توان در تعیین اقامتگاه بین دو طرف توافق صورت گیرد. در ماده ۲۱ قانون مدنی ترکیه گفته شده که اقامتگاه فرزندان و افراد محجور همان اقامتگاه ابوی و قیم است. اقامتگاه زن و شوهری هم که با هم زندگی می‌کنند همان اقامتگاه شوهر است، اما اگر زن جدا از شوهر زندگی کند، می‌تواند اقامتگاه جداگانه‌ای داشته باشد. تشابه قوانین دو کشور در بحث اقامتگاه مشهود است.

۱۷. بطلان

در حقوق ترکیه، چند همسری قانونی نیست و براساس بند اول ماده ۱۱۲ چنانچه یکی از طرفین (اعم از زن و مرد) در زمان اجرای مراسم نکاح متأهل باشند ازدواج مذکور محکوم به بطلان است. همچنین براساس بند ۲ ماده مذکور اگر هر یک از طرفین در زمان اجرای عقد نکاح، مجنون و یا غیرممیز باشند عقد باطل است. بنابراین، چند همسری مجاز شمرده نشده است و زن و مردی که بدون توجه به قانون با دیگری ازدواج کنند عقدش باطل و فاقد هرگونه اثر حقوقی است. همچنین ازدواج با غیر ممیز یا مجنون باطل شمرده شده است. این درحالی است که در حقوق ایران، ازدواج مرد متأهل با زن دیگر باطل نیست و ثبت آن صرفاً به رضایت همسر اولی بستگی دارد. همچنین ازدواج با محجور باطل نیست بلکه از موارد فسخ شمرده می‌شود. ازدواج با محارم نسبی و سببی نیز از موارد بطلان نکاح است. (ر.ک.، بند سوم ماده ۱۱۲ قانون مدنی ترکیه)

ذکر این مطلب لازم است که قانون تک همسری در پاره‌ای از نقاط ترکیه رعایت نمی‌شود؛ زیرا از نظر آنها صیغه شرعی برای صحت عقد نکاح کفایت می‌کند و برای انجام آن به امام جماعت محل مراجعه می‌شود که به این نوع ازدواج، نکاح امام می‌گویند. اضافه می‌شود که اغلب مردم برای انجام عقد، ابتدا به نزد امام می‌روند و بعد از آن برای ثبت ازدواج به مأمور رسمی ازدواج مراجعه می‌کنند، اما از دیدگاه قانون مدنی برای صحت ازدواج، رعایت موارد مذکور و مراجعه به دفتر ثبت ازدواج که در شهرداری‌ها مستقر است، کفایت می‌کند و نیازی به خواندن صیغه شرعی نیست.

۱۸. نتیجه‌گیری

نکاح رابطه‌ای است حقوقی یا عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌شود و به آنها حق زندگی با یکدیگر و کام‌جویی داده و ایشان را ملزم به انجام وظایف و مسئولیت‌های خاص زوجین که در چارچوب قانون و عرف مشخص شده، می‌کند. باتوجه به قرابت فرهنگی و همسایگی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه و رفت و آمد اتباع دو کشور امروزه ازدواج چند ملیتی یا بین‌المللی میان اتباع این دو کشور در حال انجام است. کشور ترکیه مانند بسیاری از کشورها از سیستم خون برای اخذ تابعیت، تبعیت می‌کند و اگر فردی در خاک ترکیه متولد شود مطابق با تابعیت والدین به وی تابعیت اعطا می‌شود. اگر فرزندی در خاک ترکیه متولد شود و یکی از والدین وی اقامت و تابعیت ترکیه را داشته باشد فرزند متولد شده نیز تابعیت را اخذ می‌کند و از تمامی خدمات یک شهروند ترکیه‌ای برخوردار خواهد شد. البته کشور ترکیه تابعیت مضاعف را پذیرفته است و فردی که به تبع ازدواج رسمی از مادر ترک و پدر خارجی متولد شود، می‌تواند اقامت و تابعیت ترکیه را به دست آورد و یک شهروند ترکیه‌ای محسوب شود.

قوانین مدنی جمهوری اسلامی ایران قائل است که تابعیت ایرانی پدر اعم است از آنکه تابعیت اصلی تابعیت اکتسابی باشد. بنابراین، قانون ایران تابعیت اصلی را بر حسب سیستم خون، فقط از راه نسب پدری پذیرفته است و نسب مادری را به هیچ‌وجه منظور نداشته است. علت عدم اشاره به نام مادر آن است که قانون‌گذار ایرانی در تنظیم قاعده‌های تابعیت ایران درباره خانواده قائل به وحدت تابعیت بوده و ذکر نام مادر را زائد می‌دانسته است. نامزدی در قوانین هر دو کشور مجاز

دانسته شده و اگر یکی از طرفی بنا به دلیلی از ازدواج سر باز زند، نمی‌توان به حکم قضایی او را مجبور به ازدواج کرد، ولی در صورت عدم وجود دلیل موجه و امتناع از ازدواج می‌توان مطالبه خسارت کرد که قانون ترکیه تعیین خسارت با پول را بیان کرده است. در نکاح، اذن والدین در ازدواج ضرورت دارد با این تفاوت که در قانون ترکیه، اذن مادر نیز ملاک عمل قرار می‌گیرد. چند همسری در قانون ایران و مطابق با فقه امامیه در صورت رضایت بلامانع است، اما در کشور ترکیه جرم محسوب شده و مجازات کیفری به دنبال دارد. اقامتگاه قانونی زن مطابق قوانین اقامتگاه شوهر است، ولی این قاعده آمره، نبوده و ملاک اصلی رضایت و توافق طرفین است.

فهرست منابع

۱. ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۸۶). حقوق بین‌الملل خصوصی. تهران: نشر بهتاب.
۲. آل کجیاف، حسین (۱۳۹۰). بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی. تهران: نشر جنگل.
۳. توسلی ناینی، منوچهر (۱۳۹۴). تحولات حقوقی ناشی از ازدواج‌های چندملیتی در پرتو تحولات تابعیت مضاعف با رویکردی به قوانین تابعیت ایران. نشریه مطالعات حقوق خصوصی، (۴۵)، ۳.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۵). ترمینولوژی حقوق. تهران: نشر کتابخانه گنج دانش.
۵. سلجوقی، محمود (۱۳۸۰). بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی. تهران: نشر میزان.
۶. شیخ‌الاسلامی، سید محسن (۱۳۸۴). حقوق بین‌الملل خصوصی. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۷. قانون ازدواج ترکیه.
۸. قانون تابعیت ترکیه.
۹. قانون مجازات ایران.
۱۰. قانون مجازات ترکیه.
۱۱. قانون مدنی ایران.
۱۲. قانون مدنی ترکیه.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). حقوق خانواده. تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
۱۴. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۲). حقوق خانواده. تهران: نشر علوم اسلامی.
۱۵. نصیری، محمد (۱۳۷۲). حقوق بین‌الملل خصوصی. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.